

**Investigating the change in nature, quality of political conflicts and its impact on political instability During Hassan Rouhani's presidency in Iran**

Abstract

The purpose of this article is to change the nature and quality of political conflicts and their impact on political stability-instability during the presidency of Hassan Rouhani in Iran. Descriptive research method and data collection as a library to organize the sources and findings of the research. The present topic is one of the most extensive and controversial topics and examining all aspects of it is a difficult task and requires a high level of political expertise and analytical power, in other words, the topic in question has some potential for discussion that other researchers can maneuver. In general, the results showed that Hassan Rouhani's period can be divided into two parts, the period before and after Borjam, in which the Rouhani government in favorable and unfavorable political conditions tried to implement scientific methods to prevent internal conflicts. They had foreigners and optimal management of the country, and considering that many social, political, and economic tensions and riots were designed and carried out by foreigners during Rouhani's term, Rouhani and his government believed more in an atmosphere of calm and dialogue and took advantage of the situation. Political and administrative, by Hassan Rouhani caused the country to enjoy more domestic and foreign political stability and to move towards less conflict.

**Keywords:** Political Conflict, Political Stability, Political Instability, President Hassan Rouhani.

**بررسی تغییر ماهیت، کیفیت منازعات سیاسی و تأثیر آن بر ثبات- بی‌ثباتی سیاسی****در دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی در ایران**محمد رحیمی<sup>۱</sup>فریدون اکبرزاده<sup>۲</sup>شیوا جلال پور<sup>۳</sup>حامد محقق‌نیا<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

**چکیده**

هدف از بررسی مقاله حاضر، تغییر ماهیت و کیفیت منازعات سیاسی و تأثیر آن بر ثبات- بی‌ثباتی سیاسی در دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی در ایران می‌باشد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است، موضوع حاضر، جزو موضوعات بسیار گسترده و بحث برانگیز می‌باشد و بررسی کلیه‌ی جوانب آن کاری دشوار و به تخصص سیاسی و قوه‌ی تحلیل بالایی نیاز دارد، به عبارتی موضوع موردنظر تا حدی پتانسیل بحث و بررسی دارد که سایر محققان نیز می‌توانند بر آن مانور دهند، بطورکلی یافته‌های پژوهش نشان داد که دوره حسن روحانی را می‌توان به دو بخش تقسیم‌بندی کنیم، دوره قبل و بعد از برجام، که در این دو دوره دولت روحانی در شرایط مساعد و نامساعد سیاسی سعی در اجرایی کردن روش‌های علمی در راستای جلوگیری از منازعات داخلی و خارجی و مدیریت بهینه کشور داشتند و باتوجه به اینکه در دوره روحانی بسیاری از تنش‌ها و آشوب‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از سوی بیگانگان طراحی و اجرا شد، ولی روحانی و دولت وی به فضای آرامش و گفتگو اعتقاد بیشتری داشتند و بهره‌گیری صحیح از موقعیت سیاسی و اداری، از سوی حسن روحانی موجب گردید تا کشور از ثبات سیاسی داخلی و خارجی بیشتری برخوردار و به سمت کمترین منازعه سوق داده شود. وباستفاده از چارچوب نظری سازه‌انگاره می‌توان این موضوع را بهتر تبیین کرد.

**کلید واژه‌ها:** منازعات سیاسی، ثبات سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، ریاست جمهوری حسن روحانی

<sup>۱</sup> گروه علوم سیاسی، واحد بین الملل خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران [rahimi.6988@gmail.com](mailto:rahimi.6988@gmail.com)

<sup>۲</sup> گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران [fereydonakbarzadeh98@gmail.com](mailto:fereydonakbarzadeh98@gmail.com)

<sup>۳</sup> گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران [shiva\\_jalalpor@yahoo.com](mailto:shiva_jalalpor@yahoo.com)

<sup>۴</sup> گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران [mohagheghnia7877@gmail.com](mailto:mohagheghnia7877@gmail.com)

در رابطه با ریشه های ایجاد منازعه و کشمکش در روابط بین دولت ها و قدرت های منطقه ای و جهانی، دیدگاه ها و نظرات متنوعی در قالب مکاتب و اندیشه های فکری و فلسفی از سوی اندیشمندان و صاحب نظران رشته های روابط بین الملل، علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی بیان شده است. در این میان، تلاش های نظری بسیاری برای توضیح منظم و قانونمند منازعه و جنگ در روابط بین الملل صورت گرفته که منجر به پردازش و ارائه نظریه های مختلف و حتی متضادی در این حوزه شده است. هر یک از این نظریه ها بر اساس اصول و مفروضه های خاص خود که نشأت گرفته از هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی متفاوتی است، تصویر متمایزی از منازعه ترسیم می کند. تفوق و تسلط این نظریه ها، تابعی از هژمونی و سیطره گفتمان ها و نظام دانایی خواص در دوره های مختلف تاریخی و بافت و ساختارهای اجتماعی آن بوده است. بنابراین، با صیروت پارادایمی و گفتمانی و تحولات عینی، این حوزه نظری نیز دچار تغییر و تحول شده است.

نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی حاکی از آن است که پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از دوران موسوم به سازندگی، دگرگونی های اقتصادی اجتماعی وسیعی جامعه ایران را در بر گرفته است و همچنین می توان به دوره انتخابات ۸۸ اشاره داشت که مناظره های انتخاباتی که در آزادترین شرایط ممکن برگزار شدند که به عرصه ای برای نقد و بررسی برنامه ها و عملکردها که به فضایی از تهمت و تخریب و هیجان و تسویه حساب تبدیل شد که خود موجی از آشفنگی را در جامعه دامن زد و به قطبی شدن بیشتر فضای کشور انجامید. با برگزاری انتخابات این ویژگی های فرهنگی در میان نخبگان نمود بیشتری یافت. جوزدگی هیجان آفرینی، قانون گریزی، عدم پذیرش؛ تعامل و گفتگو، عدم مصالحه گرایی، تعریف کردن سیاست به مثابه ستیز دائمی، فقدان عقلانیت، موج سواری، تکروری، غرور کاذب، آشنا نبودن با قواعد رقابت، کم حوصلگی در تحلیل و شناخت و تحقیر مخالفان، همگی زمینه های کشمکش سیاسی سال ۱۳۸۸ که خسارت های جبران ناپذیری را برای کشور و مردم به همراه داشت، ایجاد کردند. وهدف از این تحقیق؛ شناخت ماهیت کیفیت منازعات سیاسی در ایران در دوره ی حسن روحانی و تأثیر بر ثبات- بی ثباتی سیاسی در ایران است. لذا با توجه به مطالب ذکر شده می توان مسئله و سوال اصلی تحقیق را بدین شرح مطرح نماییم: تغییر ماهیت و کیفیت منازعات سیاسی در ایران در دوره ی ریاست جمهوری حسن روحانی و تأثیر آن بر ثبات- بی ثباتی سیاسی در ایران به چه کل بوده است؟

### روش پژوهش:

در این تحقیق با بهره گیری از روش تحقیق بنیادی که از نوع تحقیقات نظری است و در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه میپردازد انجام گرفته است. اساس تحقیق بنیادی برای یکی از اهداف علوم انجام میشود که نوعی علم برای علم است (۲) (Goddard ۲۰۰۱). این نوع از تحقیقات به دلیل آنکه راهگشای سایر مطالعات و بررسی هاست، مورد توجه است؛ بنابراین تحقیقات بنیادی از نوع مطالعات نظری هستند. همچنین در این تحقیق از روش تحقیق کیفی نیز استفاده شده، روش تحقیق کیفی یکی از مهمترین و پرکاربردترین روشهای علوم اجتماعی کالن نگر است که به دنبال پاسخ دادن به پرسشهای بزرگ میپردازد و در سطح میانی و کلان واحدهای

مشاهده و سطح تحلیل خود را مورد بحث قرار میدهد که در این تحقیق مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای مانند مرور سامانمند، فرا مطالعه، فراترکیب و فراتحلیل است.

### چارچوب نظری (سازه انگاری)

مجموعه تلاش‌های فکری انجام گرفته در روابط بین‌الملل به نظریه‌های انجامیده است که بر اساس نسبت آنها با جهان (مسایل معرفت‌شناسی) به نظریه‌های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم اند. نظریه‌های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت‌ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت‌ها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه‌های تاسیسی قرار می‌گیرند قائل به این امر می‌باشند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می‌گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می‌گیرد. از این طرح نو تحت عنوان سازه انگاری یاد برده می‌شود. سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. در سازه انگاری از آن جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه پذیری درون جامعه بین الملل حاصل می‌شود.

نگاه سازه انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوس که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند در حالی که سازه انگارها علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایند‌های مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت هنجارها تأکید کرده‌اند. طیف وسیعی از نظریات سازه انگاری از نوع متعارف آن تا رادیکال باعث شده است تا عملیاتی کردن این نظریه مشکلات خاص خود را داشته باشد. اما با این حال سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد به عنوان گزاره‌های اصلی سازه انگاری پذیرفته‌اند. علاوه بر آن اندیشمندان مختلف رهیافت سازه انگاری تقسیم بندی‌های از تئوری سازه انگاری و مفروضه‌های آن بیان نموده‌اند. مهمترین گزاره‌های رهیافت سازه انگاری را بدین صورت بیان می‌نماید: ۱- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و

هنجاری نیز اهمیت دارند. ۲. خصوصیات دولت‌ها نتیجه تعاملات آنها می‌باشد و اینکه دولت‌ها دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده نمی‌باشند. ۳. منافع و هویت‌ها مفروض و از پیش داده نمی‌باشند بلکه نتیجه تعامل اجتماعی می‌باشند که در فرایندهای بین‌المللی در معرض تغییر می‌باشند. ۴. انواع تعامل عبارتند از: مذاکرات / چانه زنی - بحث و استدلال و ارتباط همگانی و عمومی با علامت‌ها و سخنرانی‌ها. ۵- تصمیم‌گیری در امور جهانی در سه سطح صورت می‌گیرد: ۱. نهادهای رسمی مثل رژیم‌های امنیتی. ۲. فرهنگ سیاسی جهانی (حکومت قانون، قواعد و هنجارها). ۳- فاکتورهای انگاره‌ای از جمله الگوهای دوستی و دشمنی، روابط سیاسی میان کشورها. سازه‌انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد ولی بدنبال ناتوانی تئوری‌های سنتی در پیش‌بینی تحولات جهانی، توسط اندیشمندان دیگر رشد و گسترش یافت و در حال حاضر یکی از تئوری‌های غالب در روابط بین‌الملل می‌باشد. از اندیشمندان برجسته سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل می‌توان به استفان وارینگ، میچل بارنت، نیکلاس اونف، کاتزنساین، راگی، ویور، چکل و انتونی کلارک اشاره کرد. علاوه بر واینر، چکل نیز به تقسیم‌بندی رهیافت سازه‌انگاری پرداخته است.

وی این رهیافت را به سه دسته هویتی، تفسیری و رادیکال / انتقادی تقسیم می‌کند. سازه‌انگاری هویتی که مکتب حاکم در ایالات متحده می‌باشد به بررسی نقش هنجارها و در موارد معدودتری به نقش هویت‌ها در شکل‌گیری نتایج سیاست بین‌الملل می‌پردازد. اندیشمندان این دسته از لحاظ معرفت‌شناسی پوزیتیویست‌اند که بیشتر به تأثیر یک پدیده بر پدیده دیگر می‌پردازد (تأثیر علی هنجارها). سازه‌انگاری تفسیری که عمومیت بیشتری در اروپا دارد به بررسی نقش زبان در ساخت واقعیت اجتماعی می‌پردازد که از لحاظ معرفت‌شناسی پست-پوزیتیویست می‌باشند در این تئوری به تأثیر **a** بر **b** پرداخته نمی‌شود. بلکه به مقذور بودن (ممکن و شدنی بودن آنها می‌پردازد) و به تشریح مضمون هویت دولت‌ها در یک مورد خاص می‌پردازد. سازه‌گرایی رادیکال / انتقادی از کانون‌های زبان‌شناختی حمایت و پشتیبانی می‌کند. اما با تأکید بر بازتولید هویت‌ها دارای یک بعد هنجاری صریحی است. هر دو سازه‌انگاران تفسیری و رادیکال / انتقادی، منابع اساسی تئوریکشان به رهیافت زبان‌شناختی ویتگنشتاین بر می‌گردد و در تحلیل‌هایشان با تأکیدی که بر گفتمان‌های فکری و معرفتی و بازی‌های زبانی دارند در جرگه پست مدرن قرار می‌گیرند.

همچنین دایز سازه‌انگاری را به دو دسته اجتماعی و تئوریک تقسیم می‌کند. در نوع اجتماعی آن به صفت یا کیفیت واقعیت اجتماعی پرداخته می‌شود (کاتزنساین و گیدنز) و نوع تئوریک آن به شرایط و وضعیت دانشمان از واقعیت می‌پردازد. معمولاً تأکید صرف بر هویت و فاکتورهای ایده‌ای در روابط بین‌الملل به معنای سازه‌انگار بودن و تحلیل سازه‌انگاران از بحث و یا موضوع نمی‌باشد. رویس اسمیت سازه‌انگاری را به دو دسته فراملی و داخلی (اجتماعی) تقسیم می‌کند که در سطح بین‌الملل بر نقش هنجارهای بین‌المللی و در سطح داخلی بر هنجارهای درون جامعه اشاره دارد. این رهیافت اعتقاد دارد که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌الملل شکل می‌گیرد، این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارد و این هنجارها و قواعدند که بر اساس آن منافع را شکل می‌دهند و هنجارها دلیل عقلانی رفتار بهتر دولت‌ها را فراهم می‌نمایند. این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره‌ها و اندیشه‌ها

می‌دهد و تمرکز اصلی شان بر روی اعتقادات بین‌الذنهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهانی مشترک اند، قرار می‌دهند. منافع و هویت‌های انسانها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند.

در چارچوب تحلیل سازه‌انگاری نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله‌تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌الملل تقلیل داد زیرا تعاملات دولت‌ها بر اساس یک سلسله‌منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند و یا باعث تشکیل هویت می‌شوند. سازه‌انگاری اجتماعی مدلی از تعاملات بین‌المللی را ارائه می‌دهد که طی آن مساعی لازم را به عمل می‌آورد تا تاثیر هنجاری ساختارهای نهادی بنیادی را بررسی کرده و ارتباط میان دگرگونی‌های هنجاری، هویت و منافع دولت‌ها را مشخص نماید.

از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود. برای حصول اطمینان از یک سطح قابل‌پیش‌بینی و نظم در سیاست بین‌الملل و نیز جامعه داخلی، هویت یک امر ضروری به حساب می‌آید. سازه‌گرایان بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تاکید دارند و کانون توجه آنان آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. در این رویکرد ساختار و کارگزار به شکلی متقابل بر هم تاثیر می‌گذارند. ساختار جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد. در این رویکرد دولتها نهادهای هستند که موجودیت و خصوصیتشان وابسته به باز تولید انواع خاصی از رویه‌هاست. دولت صرفاً واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه‌ای از رویه‌هاست که به شکل هنجاری قوام یافتند. در اینجا خلاصه‌ای از تئوری سازه‌انگاری از دید سه‌اندیشمند برجسته این مکتب بیان می‌کنیم: راگی سازه‌انگاری اجتماعی را آگاهی بشری و نقشش در امور بین‌الملل می‌داند که متکی بر بعد بین‌ذهنی کنش بشری است. وی بیان می‌کند که هویت‌های بازیگران و منافعشان از لحاظ اجتماعی ساخته شده‌اند و حقیقت‌های اجتماعی برای دوام شان نیاز به نهادهای بشری (پول، ازدواج، حاکمیت و...) دارند. تاهامو، سازه‌انگاری را چارچوبی برای تحلیل روابط بین‌الملل می‌داند که ریشه‌اش به جامعه‌شناسی بر می‌گردد و دارای فرضیات مشترکی با مکتب انگلیسی است. در این رهیافت دولت‌ها را به مثابه موجودات اجتماعی اند که رفتارشان از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت‌ها مشتق شده است. وی سازه‌انگاری را به عنوان یک آلترناتیو تئوریک در مطالعه روابط بین‌الملل می‌داند. ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین‌الملل بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران بستگی به ساختار دانش سیستم بین‌الملل دارد. دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند. تاثیر و هستی فرهنگ جدا از عقاید اشخاص نمی‌تواند باشد اما در عین حال به آنها نیز محدود نمی‌شود بلکه بستگی به چگونگی مفهوم‌سازی دیگران دارد و نت به سه سطح کلان از ساختارهای دانش یا فرهنگ به نام‌های هابزی، کانتی و لاکئی اشاره می‌کند. رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده‌اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تاکید زیادی بر فاکتورهای نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد دولت‌ها زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکئی دولت‌ها علی‌الرغم تضاد‌های که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست. در

فرهنگ کانتی دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند و دولت‌ها به صورت تیمی عمل می‌کنند. دولت‌ها بر حسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند و به تبع وضعیت نقش آنها نیز متفاوت خواهد بود.

### پیشینه مطالعاتی پژوهش:

شیرازی و صحرایی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش و تاثیر احزاب در ثبات سیاسی ایران؛ مطالعه موردی: دولت اصلاحات پرداختند. نتایج نشان داد که احزاب مورد بررسی در ایران در برخورد با بی‌ثباتی‌های سیاسی نتوانسته‌اند کارکرد مناسبی از خود نشان دهند و در نتیجه نقش و تاثیر مثبتی بر کاهش و کنترل بی‌ثباتی‌های سیاسی مورد نظر نداشته‌اند.

تاج خسروی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی اصول سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه پرداخت. با روی کار آمدن دولت یازدهم، نگاه دستگاه سیاست‌گذار خارجی به موضوع نظم از یک نگاه تقابلی به یک نگاه تعاملی تغییر جهت داد و موضوع نظم، هدف اصلی این پژوهش پرداختن به رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم در جمهوری اسلامی ایران به مسئله نظم در منطقه خاورمیانه است دولت روحانی تلاش کرد تا در چهارچوب سیاست تنش‌زدایی و تعامل سازنده بار دیگر نظم پایدار منطقه‌ای را شکل دهد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات به این نتیجه رسیده است که رویکرد مبتنی بر تنش‌زدایی، سیاست نظم منطقه‌ای پایدار بر سیاست خارجی دولت یازدهم با را در پیش گرفته است.

رضایی و ترابی (۱۳۹۲۹) در پژوهشی به بررسی تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا با سیاست خارجی دولت حسن روحانی، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که باید به گونه‌ای مسیر کشور را برای بازگشت تعریف کرد که چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ با اسناد بالادستی، دولتی توسعه‌گرا قدرت را بوجود آورد و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا سازد.

خواجه سروی (۱۳۸۵). در پژوهشی به بررسی چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران پرداخت. نتایج نشان داد که رقابت سیاسی از موضوعات پذیرفته شده در نظام جمهوری اسلامی است. ثبات سیاسی نیز ذهن مشغولی عمده کسانی است که به تداوم حیات نظام سیاسی علاقه‌مندند. این مقاله در پی آن است که برای تحلیل پیوند دو مولفه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، چارچوبی ارائه دهد که در پرتو آن بتوان تاثیر ثبات سیاسی را بر رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران سنجید. برای این منظور لازم است مفاهیم مهمی چون رقابت و ثبات سیاسی تحلیل و بررسی شود و بر اساس آن ساختار نظری‌ای استوار شود که از قابلیت لازم برای تغییر رفتارهای سیاسی و در ادامه ارائه تجویز برای سیاست‌های آتی برخوردار باشد.

### یافته‌های تحقیق:

#### مبانی نظری و مفهومی تحقیق

#### گفتار اول: اصول و محورهای سیاست خارجی در دوره حسن روحانی

اصول عمده سیاست خارجی دولت روحانی را می‌توان در تعامل با نظام بین‌الملل، موازنه قدرت بر اساس مفهوم اعتدال باشد و، تنش‌زدایی به ویژه با همسایگان در برابر نقشه‌های دشمن و همراهی با مجلس برای حل مشکلات داخلی و مسائل جهانی مدیریت شود زیرا ارتباط دوستانه و نزدیک با همسایگان می‌باشد و در جهت تلاش برای خروج پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای هستند و مورد دیگر، حذف تحریم‌ها و جلوگیری از افزایش تنش بین رابطه ایران و آمریکا می‌باشد که کمک به حل بحران سوریه است زیرا دکتر روحانی در خصوص سیاست‌های خارجی به مواردی اشاره کردند:

(۱) من پیش شرط ندارم اگر دولت آمریکا امروز آماده است ما حاضریم مذاکره کنیم... امریکایی‌ها اول دنبال این بودند که بقیه کشورهای ۵+۰ را با خود همراه کنند و به همین دلیل هم ترامپ در ۰۰ دی ماه پارسال از شرکاش خواست آنها هم بیایند و مذاکره مجدد درباره برجام را آغاز کنند، موفق نشدند و کسی به آنها پاسخ مثبت نداد و مجبور شد به تنهایی از برجام خارج شود.

(۲) برای ما در روابط خارجی منافع ملی مهم است، اما روابطی که با چین و روسیه داریم قابل مقایسه با اروپا نیست. چین در انرژی هسته‌ای با ما همکاری می‌کند. چین بزرگترین شریک تجاری ما است (بعد از خروج آمریکا از برجام) چین و روسیه می‌گویند ما به قراردادهای مان عمل می‌کنیم. ما با همه کشورها روابط خوب می‌خواهیم، اما روابط ما با کشورهای آسیایی بیشتر است. اما با اروپا هم می‌خواهیم روابط را توسعه دهیم.

(۳) منطقه ما به سمت امن‌تر شدن است. در سوریه ماه‌های آینده وضعیت بهتر خواهد شد. در یمن هم عربستان و امارات به این نتیجه می‌رسند که باید به روش سیاسی مشکلاتشان را حل کنند. ما به عنوان جمهوری اسلامی همواره دنبال صلح بودیم. ایران هیچوقت آغازکننده جنگ نبوده و اراده ما بر صلح و دوستی است. اگر با یکی دوتا همسایه روابط خوبی نیست ما آماده ایم که روابط خود را بهبود دهیم.

به فرموده رهبر جمهوری اسلامی ایران چهار دهه، تجربه‌ی فعالیت بین‌المللی به ما نشان می‌دهد که هزینه‌ی تسلیم در برابر قدرتهای زورگو به مراتب بیشتر از هزینه‌ی ایستادگی در مقابل آنها است؛ تسلیم شدن در مقابل زورگویی‌های قدرتهای زورگو، ملت‌ها و کشورها را بیچاره می‌کند؛ راه‌های پیشرفت آنها را به معنای واقعی کلمه مسدود می‌کند؛ آنها را از ارزشهای انسانی دور می‌کند؛ هزینه‌های سنگینی دارد. ما به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی، با استکبار و با نظام سلطه از سر تسلیم وارد نشدیم، تسلیم نشدیم، با آنها بر سر خواسته‌های آنها سازش نکردیم، و امروز از دیروز تواناتر و قدرتمندتریم؛ امکاناتمان امروز از دیروز خیلی بیشتر است. ایستاده ایم در مقابل آنها، تسلیم آنها هم نشده ایم؛ این یک تجربه‌ی بسیار مهمی است. البته در این راه شهدائی داشته ایم، فداکارانی داشته ایم؛ شخصیت‌های ارزشمند و برجسته‌ای را از دست داده ایم لکن نظام جمهوری اسلامی پیشرفت کرده است، حرکت کرده است، شعارهای خود را برجسته‌تر کرده است.

#### الف) بهبود چهره و تصویری مثبت در عرصه جهانی

ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسئول و تابع قواعد و رژیم‌های بین‌المللی، می‌تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به عنوان یک کشور مسئول در عرصه



بین‌المللی و در نتیجه ورود گسترده تکنولوژی‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی گردد. در این راستا، ارائه تصویری مثبت از کشور باعث می‌شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. بر این اساس هرچند کشورها در زمینه توسعه با هم رقیب هستند و توسعه همدیگر را زیر نظر دارند، اما کشورهایی که دارای تصویر مثبت هستند، بیشتر به عنوان یک رقیب در نظر گرفته می‌شوند که باید با آن رقابت نمود. این موضوع در مورد کشوری که در عرصه بین‌المللی دارای تصویری منفی است، شرایط متفاوتی دارد. کشورها در مورد اول یعنی در شرایط رقابت با همدیگر همکاری می‌کنند، اما در حالت دوم از همکاری اجتناب کرده و سعی می‌کنند مانع از توسعه کشور دشمن گردند. (ترابی، ۱۳۹۲)

### ب) کسب اعتبار در عرصه‌ی بین‌المللی در دوره حسن روحانی و تاثیر آن بر منازات و ثبات سیاسی

یکی از عرصه‌های بین‌المللی در کشور توسعه می‌باشد، زیرا رابطه بین توسعه و اعتبار را می‌توان دو طرفه در نظر گرفت. کشورهایی که در عرصه بین‌المللی دارای وجهه و اعتبار بیشتری دارند، توانایی بیشتری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی‌های پیشرفته در توسعه اقتصادی کشورشان دارند (اسلامی، ۱۳۸۶: ۸). کشور چین در این زمینه مثال بسیار خوبی محسوب می‌شود که با جذب سالیانه بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی، گام‌های بیشتری را در زمینه توسعه اقتصادی برداشته است. در مقابل توسعه اقتصادی خود باعث افزایش اعتبار یک کشور می‌باشد. در واقع این یک امر پذیرفته شده است که کشورهای توسعه‌یافته یا کشورهایی که از رشد اقتصادی خوبی برخوردارند از اعتبار بیشتری بهره‌مند هستند. بنابراین یکی از مسائلی که در سیاست خارجی توسعه‌گرا باید در اولویت قرار گیرد، بحث افزایش اعتبار ملی می‌باشد (روحانی ۱۳۸۵: ۱۱).

### پ) دوری از درگیری‌ها و تنش‌زدایی

تجربه تمامی کشورهایی که در امر توسعه موفق بوده‌اند، نشانگر آنست که معمولاً آنها یکی از مهمترین اولویت‌های سیاست خارجی خود را حداقل برای یک دوره چنددهه‌ای، تنش‌زدایی اعلان نموده‌اند. تجربه آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و کره جنوبی و چین نشانگر این موضوع می‌باشد. به عنوان مثال دولت چین در جهت ایجاد زمینه برای رشد و توسعه اقتصادی از استراتژی صلح با جهان صحبت نموده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳). ضمن اینکه ترکیه نیز با طرح ایده «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» توانسته است طی سال‌های گذشته موفقیت‌های بزرگی را در عرصه توسعه و رشد اقتصادی به دست آورد (Kirisci, 2009: 9). واقعیت این است که توسعه اقتصادی در شرایط منطقه‌ای آرام امکان پذیر است که اگر این شرایط آرام در سطح بین‌المللی نیز وجود داشته باشد، محرک بسیار مثبتی برای توسعه محسوب می‌شود. در این راستا، کشوری که در یک شرایط منطقه‌ای بی‌ثبات قرار دارد و خود با سایرین در تنش و درگیری است، نمی‌تواند تمامی تمرکز و انرژی خود را صرف توسعه و اقتصاد نماید و معمولاً در چنین شرایطی مسائل امنیتی شرایط اقتصادی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### ت) همزیستی مسالمت آمیز

تلاش برای همزیستی مسالمت آمیز با سایر کشورها، مرتبه‌ای بالاتر از تنش‌زدایی و اصول مورد تاکید جنبش عدم تعهد و منشور سازمان ملل متحد دارد. در واقع دوری از تنش و تنش‌زدایی مقدمه همزیستی مسالمت آمیز محسوب می‌شود. بر این اساس، تنش‌زدایی بیشتر تلاشی با هدف کاهش و مدیریت تنش و درگیری و جلوگیری از شکل‌گیری تنش و درگیری‌های جدید بین کشورهاست.

اصول همزیستی مسالمت آمیز تقریباً همان اصول مورد تأیید کشورها در منشور ملل متحد است. بنابراین یکی دیگر از اصول سیاست خارجی توسعه‌گرا همزیستی مسالمت آمیز است، اصول و تأیید فرآیند توسعه بین‌المللی به جای پیروی از الگوی تقابل و تعارض با همزیستی منافع کشور تأمین می‌گردد.

### ث) تلاش برای بهبود روابط با اروپا

تجربه آقای روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی نشان می‌دهد که ایشان اعتبار خاصی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل هستند. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی آقای روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی‌ها به نسبت آمریکا موضع نرم‌تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند که از این موضوع می‌توان در راستای منافع ملی و ایجاد شکاف در روابط یورآتلانتیک استفاده کرد. در این زمینه، تجربه آقای روحانی در چارچوب بحث هسته‌ای نشان می‌دهد که ایشان با آگاهی از این موضوع، به خوبی از اختلافات اروپا و آمریکا استفاده نمودند. ضمن اینکه یکی از انتقادات آقای روحانی به سیاست‌های دولت پیشین، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به آمریکا با توسل به سیاست تنش‌زا و تهاجمی بوده است.

مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. آقای روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی، اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده‌ای اقتصادی در نظر می‌گیرند که می‌توان با اتحاد دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده، از ظرفیت‌های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورها همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم‌ها موثر خواهد بود، چراکه بسیاری از محدودیت‌هایی که بر ایران اعمال می‌شود در چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست.

### ج) ایجاد بهبود روابط با کشورهای همسایه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در جریان مصاحبه‌های آقای روحانی تأکید فراوانی بر آن می‌شود، تلاش برای بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی است. انتقاد گسترده از سیاست دولت پیشین که روابط ایران و همسایگان را عمدتاً بر مدار تنش قرار داد و به جای آن روابط با کشورهای آمریکای لاتین را گسترش می‌داد، خواهان تمرکز و توجه بیشتر بر همسایگان است. اساس سیاست خارجه بایستی در راستای تأمین منافع ملی و امنیت ملی ایران باشد و اگر سیاست خارجی قادر بود تأمین منافع ملی را تضمین و کشور را در راه توسعه و گسترش قرار دهد و به سخن ساده‌تر هزینه‌ها را کاهش و سودها را افزایش دهد، این سیاست خارجی مطلوب خواهد بود؛ بنابراین بر مبنای حقیقت‌های دنیای کنونی و شرایطی که ما حالا داریم، باید هزینه‌ها را کم و فایده‌ها را بیفزاییم.

### د) ایجاد راهبردهای تعاملی

آرنولد و لفرز اهداف سیاست خارجی یک کشور را این گونه تقسیم‌بندی می‌کند: اهدافی که بیانگر تقاضای جایگاه‌هایی است که یک کشور ندارد، لذا در پی تغییر وضع موجود است؛ اهدافی که در پی حفاظت، حمایت و دفاع از توزیع موجود ارزشهاست و خواهان حفظ وضع موجود است و در نهایت

اهداف مافوق ملی که یک کشور در صدد دستیابی به آن است، مانند همبستگی بین المللی و صلح (والفر، ۲۰۰۲). در واقع تحولات سیاست خارجی تابعی از تحولات گفتمانی در بستر اجتماعی-سیاسی خاص بوده است (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران فاقد یک استراتژی ملی منسجم بود و در قالب گفتمان‌های مختلف مانند «مصلحت محور»، «ارزش محور»، «عمل گرا»، «فرهنگ محور» و «عدالت محور» بروز و ظهور یافت. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های تنوع گفتمانی و تغییر و تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی این است که ایران یک جامعه در حال گذار بود. (ازغندی، ۱۳۸۱)

در یک قرن اخیر سویه‌های موازنه مثبت و منفی و خنثی، بی طرفی، انزوا و توسل به غیر در سیاست خارجی ایران قابل مشاهده است. ژئوپلیتیک خاص ایران، هزینه‌های سیاست عدم موازنه، اتکا به یک قطب قدرت در برابر سایر قطب‌ها و موازنه منفی را بسیار زیاد می‌کند که نمونه عملی آن سیاست‌های پهلوی دوم است. انزوایی هم سیاستی منسوخ در دنیای به هم پیوسته و شبکه‌ای امروز است. سیاست خارجی در راهبرد اعتدال، ماحصل تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی-گفتمانی بین گفتمان‌های پیشین خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورت بندی قدرت است.

تعامل مؤثر و سازنده با جهان: از نگاه دولت روحانی، تعامل ابزاری است که در آن «نیل به موفقیت» جای «تفاهم» را می‌گیرد، عامل بیشینه سازی سود و منفعت طرفین است و بیشتر متکی بر منافع اقتصادی و تجاری است. (احتشامی، ۲۰۱۴) که در مذاکرات ایران و ۱+۵ به وضوح قابل مشاهده است.

توجه ویژه به مناسبات منطقه ای: بوزان معتقد است آشوب، عنصر ذاتی و جریان سیال در خاورمیانه است. گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتابی از این تصویر آگاهانه یا ناخود آگاه بوده که منجر به بازنمایی تصویری پیش ساخته، از جهان خارجی برای مردم و حاکمان آن شده است. راهبرد اعتدال سعی در باز تعریف مفاهیم و باز طراحی ساختارهای کهنه از منطقه دارد. اگرچه «غیریت سازی» در امتداد گفتمان‌های پیشین سیاست خارجی دنبال می‌شود اما با توجه به مطلق نبودن تعاملات انسانی در روابط بین الملل، امید زیادی به تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی سیاسی خاورمیانه وجود داشت که تاکنون موفقیت موردنظر حاصل نشده است. تأکید بر جهانی امن و عاری از خشونت و افراطی‌گری: دولت روحانی در فضایی روی کار آمد که مبارزه با خشونت و افراطی‌گری در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تبدیل به دغدغه اصلی دولت‌ها شده بود. لذا این دولت تلاش کرد تا با نگاه ویژه به موضوع افراط گرایی، به مدیریت آن در ایران و منطقه بپردازد. رفع مشکلات داخلی اقتصاد بر اساس کارویژه‌های سیاست خارجی: یکی از اولویت‌های دولت روحانی، حل معضلات داخلی اقتصادی با استفاده از رهیافت تعامل با نظام بین الملل جاری است. دولت روحانی در گام اول با حل مناقشه هسته ای به عنوان مهم ترین مسأله ای که در یک دهه گذشته به امنیتی کردن سیاست خارجی کشور منجر شده بود و با برداشتن بخشی از تحریم‌های اقتصادی مرتبط با موضوع هسته ای، گشایش‌های قابل توجهی را در فضای روابط اقتصادی خارجی کشور ایجاد کرد و با اتخاذ سیاست تعاملی در روابط خارجی و ارائه چهره ای صلح طلب از جمهوری اسلامی ایران، به موفقیت‌های قابل توجهی در زمینه توسعه مراودات اقتصادی و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی دست یافت. مهم ترین اقدام دولت روحانی به نتیجه رساندن مذاکرات هسته ای و دستیابی به توافقی بود که شرایط بین المللی را به نفع ایران کاملاً

تغییر داد. تا جایی که برخی از اهل علم در تلاش برای تمهید مبانی فقهی این توافق، آن را با صلح حدیبیه مقایسه کردند که از حمله آثار مثبت آن تضمین منافع ملی تأمین مصالح اجتماعی است.

### ه) متوازن نمودن رابطه با چین

روابط ایران و چین نه دوجانبه که «سه‌جانبه» است و ایالات متحده به‌عنوان بازیگر ثالث نقش کلیدی در شکل‌دهی به مسیر آن ایفا می‌کند. این نقش در ۵۰ سال روابط نوین ایران و چین همواره ایفا شده و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی نیز ایفا خواهد شد. بحث‌هایی که در ایران و چین پیرامون حذف این متغیر از روابط صورت می‌گیرد، بیشتر بیان آرزوهاست. تا آینده‌ای کوتاه‌مدت، انتخابات در ایالات متحده و نتیجه آن کلیدی‌ترین متغیر شکل‌دهنده به مسیر کلان روابط ایران و چین خواهد بود. ایرانی‌ها و چینی‌ها به شدت منتظر نتیجه این انتخابات هستند. چینی‌ها امیدوار به کاهش پیش‌بینی‌ناپذیری در رفتار مهم‌ترین رقیب خود و ایرانی‌ها امیدوار به بازگشت آمریکای بایدن به توافقی هستند که در ۸ سال اخیر عمده انرژی‌شان را برای حصول و حفظ آن صرف کرده‌اند. تا این انتخابات، روابط ایران و چین احتمالاً تغییر محسوسی نخواهد کرد. در میان مدت ایران احتمالاً به‌طور فزاینده‌ای به درون روابط پیچیده شونده چین و آمریکا کشیده و از رقابت راهبردی دو ابرقدرت متأثر خواهد شد. به دیگر سخن اقتصاد سیاسی ایران به‌گونه‌ای فزاینده از این رقابت که مهم‌ترین روند شکل‌دهنده به جهان جدید است تأثیر خواهد پذیرفت، حتی اگر ایالات متحده به برجام بازگردد.

### گفتار دوم: چالش‌ها و فرصت‌ها در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی

نظام جمهوری اسلامی ایران اگرچه از سر عزتمندی هزینه استقلال کشور را پرداخته و می‌پردازد، اما هیچگاه تحمیل انزوا، از سوی دشمنان را نمی‌پذیرد و تسلیم خواست بدخواهان در جهت عدم مشارکت فعال ایران در نظام جهانی نشده و بدور ماندن از تحولات و دستاوردهای تجربه بشری را نخواهد پذیرفت. برجام نشان حسن نیت جمهوری اسلامی ایران برای تعامل سازنده و مؤثر در سطح بین‌المللی بوده و هست ما اکنون با اعتماد به نفس بیشتر از گذشته و مستحضر به پشتیبانی یک ملت که حماسه بزرگ انتخابات را آفرید بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان در چارچوب قانون اساسی تأکید داریم.

اینک با توجه به محدودیت اختیارات رئیس‌جمهور در «قانون اساسی»، برخورداری جناح محافظه‌کار از اکثریت در مجلس، مشکلات اقتصادی، بسته بودن دست رئیس‌جمهور در رابطه با بحران‌های جاری در: سوریه، عراق، یمن و.. موضوع رابطه با عربستان، مطالبات اقلیت‌های قومی و مذهبی، پرونده حقوق بشر و.. بیگمان رئیس‌جمهور و دولت او را در چهار سال آینده با مشکلات و چالش‌های سختی رو به رو خواهند کرد.

### الف) چالش‌های داخلی

پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری با میزان رای بیش از دوره قبل نتیجه پاسخ «بله» مردم به «اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان» و نشان‌دهنده حضور بالای جوانان تحصیلکرده و رأی قدرتمند جمعیت شهری و طرح مطالبات آنان در جهت گشایش -هرچند اندک- در فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بود.

رئیس‌جمهور در جریان فعالیت‌های انتخاباتی دوره نخست برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی وعده‌های بسیاری به مردم داد، اما بیشتر آن وعده‌ها عملی نشدند، و اکنون این پرسش مطرح است که،

آیا دولت دوم حسن روحانی - با توجه به وجود اختلاف‌های داخلی و تهدیدهای خارجی - خواهد توانست به وعده‌های خود در زمان تبلیغات انتخاباتی پایبند بماند و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی خود را عملی کند؟

از لحاظ بعد اقتصادی: «هر چند دولت حسن روحانی در چهار سال گذشته توانست اقتصاد کشور را از سقوط نجات دهد، رشد اقتصادی منفی را به رشد اقتصادی ۷٪ برساند، تورم ۴۰٪ را به ۹٪ کاهش دهد، صادرات نفت را به شرایط ماقبل تحریم‌ها بازگرداند و حدود ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند؛ منتهی چالش اصلی او همچنان در زمینه برآورده نشدن خواسته‌های مردم در بهبود سریع وضعیت اقتصادی روزمره آنان است.» رکود اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از آن همچنان یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی دولت به شمار می‌آید؛ انتظار می‌رود اولویت نخست او توجه ویژه به حوزه اقتصادی باشد، علی‌رغم رشد صادرات نفتی و کاهش چشمگیر نرخ تورم، بیکاری - به ویژه در بین قشر جوان و تحصیلکرده - همچنان در صدر مشکلات کشور قرار دارد. همچنین نابسامانی‌های موجود در سیستم بانکی، نظام مالیاتی، حوزه سرمایه‌گذاری و بورس، از جمله مواردی هستند که دولت آینده را به چالش می‌کشاند.

بزرگترین معضل اقتصادی پیش روی دولت در چهار سال آینده سایه سنگین تحریم‌ها بر اقتصاد کشور است؛ تداوم وضعیت موجود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را در بلا تکلیفی قرار داده و اقتصاد کشور را با مشکل جدی روبه‌رو ساخته است. بدهی‌های بانکی دولت، بدهی ۱۰۲ هزار میلیارد تومانی بخش‌های دولتی به بانک‌ها در دولت حسن روحانی ۱۳۴٪ درصد رشد داشته و به رقمی حدود ۲۲۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. (گزارش بانک مرکزی)

از لحاظ بعد اجتماعی: بسیاری از صاحب‌نظران اوضاع داخلی ایران، یکی از چالش‌های پیش روی حسن روحانی را روند بسیار کند اعطای آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌دانند که شخص او (سال ۹۵ش) با انتشار منشوری با عنوان «منشور حقوق شهروندی» بر تلاش برای تحقق آنها تاکید نموده است.

رئیس‌جمهور به عنوان مجری قانون اساسی موظف است برای اعطای حقوق و آزادی‌های موجود در «قانون اساسی» دیگر ارکان نظام را قانع کند، رقبای محافظه‌کار آقای روحانی نیز می‌گویند: وعده‌های انتخاباتی او را به عنوان مطالبات مردمی پیگیری خواهند کرد، اما حسن روحانی نیز - هر چند به خوبی می‌داند که این سخنان مخالفانش بیانگر ادامه تلاش آنها برای کارشکنی در روند عمل به وعده‌هایش است - در نخستین مصاحبه خود - پس از پیروزی در انتخابات - اظهار امیدواری نمود که، با همکاری مردم و همه جناح‌ها و گروه‌ها بتواند به وعده‌هایش در برابر مردم عمل کند.

### ب) چالش‌های خارجی

روحانی برای کاهش تنش و پیشبرد «سیاست تعامل» در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای حاضر است به هر اقدامی دست بزند؛ اما طرف‌های مقابل می‌گویند: ما نیز برای تعامل آماده‌ایم، اما شما نیز باید از حمایت تروریسم در بحرین، کویت، امارات و عربستان و... دست بردارید... شبه‌نظامیان و نیروهای نیابتی خود را از پایتخت‌های چند کشور عربی - دمشق، بغداد، صنعا و بیروت - بیرون بکشید.

«برجام» در حالی که از ابهام قرار گرفته است و بدون تردید یکی از چالش‌های جدی روحانی در حوزه سیاست خارجی پیگیری پرونده «برجام» و استیفای حقوق ایران در چارچوب آن است؛ همچنین تلاش

برای رفع تحریم‌های اولیه و غیرهسته‌ای، به تلاش، چانه زنی و مانورهای سیاسی و اقتصادی سختی نیاز دارد؛ اعلام تحریم‌های جدید آمریکا در روز ۶ مرداد ماه امسال در واقع ضربه‌ای کاری بر پیکر برج‌ها بود.

### ج) فرصت‌ها

در عرصه داخلی حسن روحانی برای چاره‌جویی بسیاری از مشکلات کشور - به ویژه مشکلات اقتصادی - دارای اختیارات کافی است، «این مسئله‌ای است که او - بدون ایجاد چالش اساسی در درون سیستم - شانس بیشتری برای تحقق‌اش دارد، اما اقدام جدی او در باره زندانیان سیاسی و یا تلاش برای باز کردن فضای سیاسی سبب می‌شود که به حاشیه‌راندن شود و روحانی خواستار چنین چیزی نیست». (سلطانی، ۲۰۱۸)

در بعد خارجی - هرچند به دلیل همکاری ایران با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت اسقاط حکومت صدام، طالبان و مشارکت برای رویارویی با انقلاب‌های مردمی در برخی از کشورهای عربی به ویژه در سوریه و یمن، همکاری در جنگ با داعش و تروریسم - نگاه بسیاری از دولت‌های غربی - هر چند به عنوان یک تاکتیک - نسبت به این کشور در مقایسه با دهه‌های آغازین و میانی انقلاب تا حدودی تغییر یافته است، اما هیچ تضمینی برای ماندگاری آن وجود ندارد.

- یکی دیگر از فرصت‌های فراروی حسن روحانی تلاش برای کاستن از «سیاست فرقه‌گرایانه ایران» در تعامل با پرونده‌های منطقه‌ای در راستای بازسازی حداقلی چهره ایران در میان افکار عمومی مسلمانان است، که در سال‌های گذشته - بر اثر این سیاست فرقه‌ای کشورش در عراق، سوریه، یمن و... - به شدت آسیب دیده است.

- گسترش روابط سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه می‌تواند برای حل و فصل بحران‌های چالش‌برانگیز برای دو کشور و در راستای پاسداری از منافع و مصالح مشترک دو طرف بسترهای لازم را فراهم سازد، و تلاش قدرت‌های فرامنطقه‌ای را برای ایجاد شکاف هر چه بیشتر در بین کشورهای اسلامی و حمایت آنان از گروه‌های مسلح مشکل‌ساز برای دو کشور دچار چالش جدی کند.

در دولت اصولگرا، تشدید رویکرد های تهاجمی از سوی امریکا علیه ایران در قالب تحریم های متعدد نظامی و اقتصادی بین المللی از سوی امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل زمینه مناسب را برای تقویت گفتمان اصول گرایی و انعطاف ناپذیری در سیاست خارجی و هدایت آن به سمت رادیکالیسم فراهم کرد. در دولت جناب آقای روحانی از یک سو، با شکل گیری فضای هنجاری داخلی در چارچوب گفتمان اعتدال که در سطح بین المللی با دکترین «جهان عاری از خشونت و افراط گرایی» همراه بوده است و در قالب قطعنامه ای مورد اجماع ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل متحد قرار گرفت و از سوی دیگر، واکنش محتاطانه و غیر تهاجمی نظام بین الملل به رویکردهای تعامل گرایانه و اعتمادسازانه این دولت، بستر مناسبی برای تقویت این گفتمان و تداوم سیاست همکاری جویانه ایران با نظام بین الملل در قالب دکترین «تعامل سازنده» فراهم شد.

در پی بحران عمیق اقتصادی، کشور در آستانه ورود به بحران های سیاسی و امنیتی بود به گونه ای که با گسترش و ادامه یافتن روند قبلی حتی به خطر افتادن نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قابل تصور بود. در این میان، با انتخابات ریاست جمهوری، نخبگان سیاسی جدیدی که برداشت هایی متفاوت از نخبگان دولت های نهم و دهم در رابطه با دیپلماسی، مصالحه و سیاست خارجی داشتند، به قدرت رسیدند. روحانی توانست شخصیتی از خود به جهان عرضه کند که ترکیبی از صداقت و بیان قابل درک بین المللی را در خود داشت.

مؤلفه پراهمیت بعدی در شکل گیری دیپلماسی هسته ای دولت یازدهم منابع اجتماعی است. در این سطح باید به جهت گیری های مردم و افکار عمومی نسبت به موضوع هسته ای توجه داشت. اینکه آیا افکار عمومی بر حقوق کامل خود در زمینه هسته ای و رویکرد تهاجمی پافشاری کنند و یا برعکس خواستار سازش با غرب و لغو تحریم ها شوند، بسیار پر اهمیت است.

در محیط داخلی در این دوره تلاش می شود افکار عمومی داخلی را با خود همراه کنند و آن را به عنوان پشتوانه اصلی تداوم فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران می دانند. در بعد بین المللی نیز در این دوره تلاش شد با ایجاد تفرقه در نظام بین الملل خصوصا گروه ۱+۵ خود را از بحران خارج سازد و با توجه به شرایط بین المللی این امر شاید ابتدا به صوت مثبت به آن نگاه می شد اما در نهایت سبب ساز اجماع در نظام بین الملل جهت مقابله با برنامه هسته ای ایران گشت.

## الف: منابع فارسی

ابوالحسن شیرازی، حبیب اله و صحرایی، علیرضا. (۱۳۹۷)، نقش و تاثیر احزاب در ثبات سیاسی ایران؛ مطالعه موردی: دولت اصلاحات، پژوهشهای راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صفحات ۱۱۲-۶۷

اسلامی، مسعود. (۱۳۸۶). وجهه بین المللی ایران و انتخابات اخیر ریاست جمهوری، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۷-۱۱۸

ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.  
 خسروی، ملک تاج. (۱۳۹۶). رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۹، ص ۵۸-۳۱  
 دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲)، "سیاست تعادل و توازن"، همشهری دیپلماتیک، ش ۷۴، صص ۱۹-۱۲.

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۸۹)، "حفظ امنیت هستی شناسانه و سازش ناپذیری ایران در سیاست هسته ای"، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳.

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰)، هویت و سیاست هسته‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار معاصر.  
 رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، "موضوع هسته‌های ایران: بررسی دیدگاهها و ادبیات موجود"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، پاییز، صص ۶۰۶-۵۸۵.

روحانی، حسن (۱۳۹۱)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

روحانی، حسن (۱۳۸۵)، سخنرانی آقای روحانی « ثروت ملی یا قدرت ملی» قابل دسترس در: <http://www.csr.ir/center.aspx?lng=fa&abtId=04&&semid=272>

رضایی، علیرضا؛ ترابی، قاسم. (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۱۵  
 ساموئل، هانتینگتون. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

سلطانی، علیرضا. (۲۰۱۸). چالش‌ها و فرصت‌های دولت حسن روحانی در ایران، خبرگزاری آناتولی شریعتی نیا، محسن. (۱۳۸۶). «چین و آمریکا از مذاکره تا رابطه» قابل دسترس در: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&depId=44&semid=933>

## ب) منابع انگلیسی

Ehteshami, Anosh, (2014), "Iran's Foreign Policy after the Election of Hassan Rouhani", at: <http://www.lse.ac.uk/middleEastCentre/Events/events2013/Iranian-Foreign-Policy-After-the-Election-of-Hassan-Rouhani.aspx>  
 Pellizzo, Riccardo. (2003). Cartel Parties and Cartel Party Systems". Unpublished Ph.D. Dissertation, Johns Hopking University, Baltimore, MD.



- Kagan, Robert (2003), *Paradise and Power: America and Europe in the New World Order*, translated by Mahmoud Agbdullah Zadeh, Tehran: Office of Cultural Publishing in Persian
- Kirisci,kamel.(2009).The Transformation of Turkish Foreign Policy: The Rise of the trading State”, *New Perspectives on Turkey*, No. 40.
- Wæver, Ole, (2002), “Identity, Communities and Foreign Policy: Discourse Analysis as Foreign Policy Theory”, in *European Integration and National Identity the Challenge of the Nordic States*, by Wæver, Ole, Hansen, Lene, New York: Routledge